

رہیافت‌هایی برای بہرہ‌گیری از ہوش مصنوعی در راستای تحقق تمدن اسلامی

ارائہ کنندہ: حسن کربلایی

فہرست:

۲.....	مقدمہ
۲.....	نسبت ما با ہر پدیدہ ای از جملہ ہوش مصنوعی
۲.....	توصیف ابتدایی از ہوش مصنوعی
۳.....	ہوش مصنوعی برای پرداختن بہ چہ مسائلی در حال فریہ شدن است؟
۴.....	توصیفی از بستر اجتماعی کہ ہوش مصنوعی در آن زادہ شدہ است
۶.....	مسائل پیش روی جہان غرب و کارکرد ہوش مصنوعی در آن
۹.....	مسائل جامعہ ایران و رابطہ آن با ہوش مصنوعی

مقدمه

خط مشی‌ای که رهبران انقلاب اسلامی برای تحقق آرمان‌های جامعه ایران ترسیم کرده‌اند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹)؛ فضایی که انسان در آن می‌تواند از لحاظ معنوی و مادی رشد کند و به غایات مطلوب مورد نظر خدای سبحان برسد. (همان، ۱۳۹۲) از این منظر تحقق تمدن اسلامی عامل وحدت بخش تمامی فعالیت‌های جامعه قلمداد شده و انسجام بخشی و هم‌افزا ساختن نظام فعالیت‌های اجتماعی به وسیله بررسی نسبت هر فعالیت با تحقق تمدن اسلامی انجام می‌گیرد. متن حاضر تلاش نموده است نسبت هوش مصنوعی و تحقق تمدن اسلامی را بررسی نماید و به این نکته می‌پردازد که آیا هوش مصنوعی در راستای تحقق تمدن اسلامی قابل بهره‌گیری هست و اگر هست چگونه امکان‌پذیر است چنین کاری را انجام داد؟

نسبت ما با هر پدیده‌ای از جمله هوش مصنوعی

پیش از پرداختن به این مسأله به دو مقدمه پرداخته خواهد شد. مقدمه اول این است که در تحلیل هر پدیده‌ای -از جمله هوش مصنوعی- باید دقت داشت پدیده‌ها امور ایستایی نیستند که نسبت به وضعیت حال و کنونی‌اش تصمیم گرفته شود و نحوه ارتباط جامعه با آن معین شود. مخصوصاً در مورد پدیده‌ای مانند هوش مصنوعی باید فرایند تحولاتش بررسی گردد تا بتوان به جمع بندی رسید که آیا این فرایند می‌تواند به نفع تحقق تمدن اسلامی باشد و آیا می‌توان فرایند تحولات هوش مصنوعی را برای این هدف متعالی مدیریت کرد و یا نه؟ آن وقت است که می‌توان در نسبت با هوش مصنوعی موضع درستی اتخاذ کرد. به عبارت دیگر باید دریافت که آیا می‌توان برای هوش مصنوعی جایگاهی در تحقق تمدن اسلامی و تحقق آرمان‌های انقلاب مردم ایران تصور کرد و چگونه می‌توان هوش مصنوعی را به آن جایگاه ارتقا داد؟

توصیف ابتدایی از هوش مصنوعی

مقدمه دوم یک توصیف ابتدایی از هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی درباره سامانه‌های هوشمند است. درباره این موضوع به دو نکته باید توجه کرد. اول درباره مفهوم سامانه است. بشر در طول حیات خویش همواره ابزار می‌ساخته و از آن بهره برداری می‌کرده است. این ابزارها و سامانه‌ها باعث افزایش سرعت فعالیت‌ها می‌شدند؛ مانند ماشین حساب که سرعت محاسبه را بالا می‌برد؛ همچنین کمک می‌کنند دقت فعالیت‌ها بالا برود. چرا که محاسبات انسانی خطا پذیر است و ممکن است جایی اشتباه کند؛ اما وقتی فرمول محاسبه به ماشین حساب داده می‌شود با دقت بالاتر محاسبه خواهد کرد. همچنین ابزارها و سامانه‌ها، بهره‌وری فعالیت‌ها را بالا می‌برند. حجم کاری که انسان با ابزار می‌تواند انجام دهد بسیار بیشتر از انجام همان کار بدون ابزار است و ابزار توان تصرف انسان را افزایش می‌دهد. بنابراین ابزارها با افزایش سرعت، دقت و بهره‌وری، انجام یک سری فعالیت‌ها را تسهیل می‌کنند.

از آن بالاتر ممکن است استفاده از ابزارها باعث تبدیل مقیاس شوند. تبدیل مقیاس به این معنا است که اگر آن ابزار نباشد، بشر اصولاً به انجام آن فعالیت فکر نخواهد کرد. مثلاً با وجود ابزاری مانند یک ابرکامپیوتر است که انسان به فکر طراحی مسأله شانزده هزار معادله با شانزده هزار مجهولی می‌افتد؛ در حالیکه اگر این ابزار را نداشته باشد معقول نیست مسائلی را طراحی کند که عمرش برای پاسخ به آن کفاف ندهد. و وقتی چنین ابزاری ضرب در موضوعی مانند هوشمندی می‌شود، اتفاقات مهمی برای بشر رقم خواهد زد.

اما درباره مفهوم هوشمندی طبق مباحثی که اکنون در جامعه غربی مطرح است، هوشمندی را شبیه یا مانند انسان فکر و عمل کردن می‌دانند. یعنی وقتی از سامانه‌های هوشمند و هوش مصنوعی نام می‌برند، به دنبال سامانه‌هایی هستند که شبیه یا مانند انسان فکر یا عمل می‌کنند. حالا هر کدام از فکر یا عمل کردن، شاخه‌های مختلفی از هوش مصنوعی و البته دیدگاه‌های مختلفی نسبت به هوش مصنوعی را شکل می‌دهد. به عنوان مثال هوشمندانه بودن مثل اینکه در شرایط از قبل تعریف نشده‌ای قرار می‌گیرم و نسبت به آن موضع‌گیری پیدا می‌کنم و یک تصمیمی می‌گیرم؛ یا اینکه یک سری از امور را از هم دیگر تمایز می‌دهم؛ یا اینکه درک و آگاهی دارم و با تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌توانم اطلاع جدیدی تولید کنم. کارهایی که ناظر به فعالیت‌های انسانی است که غیر انسان انجامش نمی‌دهد یا ابزارهای مرسوم که داشتند قبلاً انجامش نمی‌دادند و اکنون به کمک سامانه‌های هوشمند حداقل می‌توانند بخشی از آن را انجام دهند.

یکی از شاخص‌های تمایز دهنده میان سامانه‌های هوشمند با غیر هوشمند (مانند کامپیوترها یا ماشین حساب) را می‌توان در انجام فرآیندها بدون فرمان انسان دانست. به عبارت دیگر سامانه هوشمند ماشینی است که بدون نیاز به فرمان انسانی، فعالیتی که نیازمند تصمیم‌گیری یا انتخاب یا پردازش ذهنی (اعم از درک درست و غلط، درک تمایزها و شباهت‌ها، استنتاج و استدلال، درک و تولید گفتار، یادگیری و اموری از این دست) است را در زمان مورد نیاز به آن انجام دهد.

مسئله سامانه‌های هوشمند از یک دوره تاریخی مخصوصاً در دهه پنجاه بسیار جدی شده و تا کنون با فراز و فرودهایی پیگیری شده است و جامعه غربی را به این نکته رهنمون کرد که می‌توان افقی را تصویر کرد که در آن شکل‌گیری نقطه تکنیکی^۱ و شروع دوران پسا انسان^۲ ممکن است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

هوش مصنوعی برای پرداختن به چه مسائلی در حال فرجه شدن است؟

پس از این مقدمه و برای رسیدن به هدف این متن، با این سؤال شروع می‌کنم که هوش مصنوعی برای پرداختن به چه مسائلی در حال فرجه شدن است؟ مقام معظم رهبری در اردیبهشت نود و هشت در دیداری که با طلاب حوزه علمیه داشتند فرمایشی دارند که اهمیت پرداختن به این سؤال را روشن می‌کند. در آن دیدار می‌فرمایند که اسلام فقط مجموعه‌ای از معارف نیست؛ بلکه عبارت است از استقرار توحید در جامعه و تشکیل جامعه موحد؛ و تحقق دین در جامعه را هم جزو اسلام تعریف می‌کنند و در آنجا بیان می‌کنند:

«در زمینه‌ی مسائلی که ارتباط مستقیمی با دین ندارد، مثل علوم طبیعی و مانند آن که مستقیماً ارتباطی با زیربنای فکری دینی ندارد، جهت‌گیری اینها را هم حوزه بایستی معین کند؛ یعنی جهت‌گیری حرکت علمی را حوزه‌ها باید معین کنند، چون این کار دین است؛ دین است که به علم جهت می‌دهد. علم می‌تواند در خدمت بشر باشد، می‌تواند علیه

^۱ Singularity: یک نقطه آینده فرضی در زمان است که در آن رشد تکنولوژی غیر قابل کنترل و برگشت ناپذیر می‌شود و منجر به تغییرات غیرقابل پیش بینی در تمدن بشری می‌شود.

^۲ Posthuman: پساانسان موجودی فرضی در آینده است که ظرفیت‌های اساسی آن چنان از انسان‌های کنونی فراتر می‌رود که دیگر بر اساس معیارهای کنونی ما به‌طور واضح انسان نیست.

بشر باشد؛ می‌تواند در خدمت عدالت باشد، می‌تواند در خدمت ظالمین و مستکبران طواغیت عالم باشد؛ کما اینکه الان هست. این جهت دادن به علم هم به عهده‌ی حوزه است.^۳

به عبارت دیگر یک قسمت تولید علم ناظر به تولید مسائلی است که بر اساس نیاز و ارضای اجتماعی شکل می‌گیرد. اگر جامعه‌ای به دنبال آرمانی باشد، متفاوت از جامعه‌ای با آرمان‌های دیگر، به وضع موجود خود می‌نگرد و خلأها و نیازهای متفاوتی را برای رسیدن به مقصود خود در می‌یابد و طبیعتاً برای حل آن نیازها تولید دانش می‌کند و قسمتی از علم را که نیاز دارد فربه می‌کند. مثلاً کشوری که محصور در خشکی هست مسائل متفاوتی در عرصه حمل و نقل در نسبت با کشوری که محصور در دریا است، دارد. کشوری که نفت ندارد و یا اقتصادش متکی به نفت نیست نسبت به کشوری که نفت دارد یا اقتصادش متکی به تولید فرآورده‌های نفتی است، کمتر درباره نفت یا مثلاً فرآورده‌های نفتی مطالعه می‌کند. در حوزه آرمان‌ها نیز همین گونه است و کشوری که به دنبال تحقق اسلام در جامعه خویش است متفاوت از کشوری که به دنبال رؤیای آمریکایی است، اندیشه کرده و مسائل متفاوتی را در می‌یابد.

مسائل عرصه هوش مصنوعی نیز باید از این منظر مورد دقت قرار بگیرد که از کجا بر آمده و برای چه شکل گرفته و آیا می‌تواند آرمان جامعه ایران که تحقق تمدن نوین اسلامی است را محقق نماید یا باید در مسیرهای دیگر فربه شود تا برای اهداف ما استفاده پذیر باشد؟ در واقع مطالعه هر دانشی از جمله هوش مصنوعی خارج از بستر اجتماعی شکل دهنده آن، مطالعه کارآمدی نیست و سخت‌تر می‌توان این مطالعات را به صورت آگاهانه در خدمت تحقق آرمان‌های جامعه خویش قرار داد. پس باید بستر اجتماعی که باعث متولد شدن دانش هوش مصنوعی شده است را مطالعه کرد و مشاهده کرد که چه خصیصه‌ای داشته و چه نیازهایی را شکل داده که تأمین آنها به شکل‌گیری الگوهای کنونی هوش مصنوعی انجامیده و هوش مصنوعی را اینگونه رشد داده و آیا این مسائل راهگشای ما خواهد بود یا خیر؟

توصیفی از بستر اجتماعی که هوش مصنوعی در آن زاده شده است

جهان غربی که الان می‌شناسیم با رؤیای ساخت بهشت بر روی زمین و تمتع حداکثری در دنیا و برآورده کردن هر چه که لذت پنداشته می‌شود، شکل گرفت. در چنین جهانی انگیزه تحرک و ارتقای کنش‌گری انسان از امر فردی به امر اجتماعی بر اساس محور قرار گرفتن منفعت شخصی در موضع‌گیری‌هایش تعریف گردید و در واقع حرص نسبت به امور دنیایی سوخت حرکت و تکامل جامعه قرار داده شد. کسانی مانند کانت توضیح دادند که اگر طبیعت این اخلاق مذموم و پست را در انسان به ودیعه نهنده بود مانند گوسفندان رام و مانند گوسفندان عقب مانده می‌بودیم.^۴ چنین سوختی برای تحرک انسان سبب می‌شود که به تعبیر هابز، انسان گرگ انسان باشد و هم او در لویاتانش پیشنهاد داد که به منظور ایجاد تعادل در حرکت و تکامل جامعه باید منفعت خواهی و منفعت طلبی مقید به قدرت هر کسی قوی‌تر است باشد تا رشد جامعه را تضمین کرده و منفعت طلبی انسان باعث گسست و انشقاق اجتماعی نگردد.

محدود کردن دنیاپرستی در این جهان امر مذمومی است و اسمیت به درستی مشکل ساختار هابز را تشخیص داده و پیشنهاد کرد که انسان با حداکثر منفعت خواهی و سوداگری وارد جامعه شود و تعادل حرکت و تکامل جامعه را به بازار واگذار کند. مکانیزم

^۳ مقام معظم رهبری، دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

^۴ صناعی دره بیدی منوچهر، رشد عقل ترجمه و شرح مقاله کانت با عنوان معنای تاریخ کلی در غایت جهان وطنی، نقش و نگار: چاپ اول ۱۳۸۴، ص ۱۵

جادویی بازار با کمک ایجاد تقسیم کار و رقابت کامل سبب می‌شود شر فردی انسان تبدیل به خیر اجتماعی شود و رشد جامعه به صورت کامل و حداکثری اتفاق بیفتد. طبیعتاً برای اینکه چنین جامعه‌ای به حداکثر رشد خودش برسد، باید همه ارکانش را بازاری کرد و کنش انسان اکونومیک در تقسیم کار و رقابت کامل در این جامعه خود بخود تنظیم خواهد شد. جهان غربی برای شکل دادن به چنین جامعه‌ای از مکانیزم تحریک عمومی و ارضای طبقاتی استفاده کرد و سیستم سرمایه‌داری را شکل داد که در آن عده محدودی در طبقه بالاتر به استثمار طبقه پایین پرداخته و بقیه را به بردگی خودشان کشیدند. طبقات پایین‌تر نیز در آرزوی دستیابی به لذت‌هایی که در اختیار طبقه بالاتر قرار دارد، تلاش و انرژی خود را صرف به جریان افتادن این سیستم و تضمین سودآوری سرمایه می‌کنند.

کارآمدی چنین ساختاری مخصوصاً با وقوع بحران بزرگ آمریکا زیر سؤال رفت و مشخص شد که بازار نمی‌تواند تحت رقابت کامل عمل کند. حتماً باید دولت تنظیم‌گری وجود داشته باشد که توازن سرمایه‌گذاری و پس انداز را برقرار کرده تا رکود در بازار پیش نیاید. اما با اختراع ماشین‌های محاسباتی و ظهور کارآمدی روز افزون آنها در زندگی انسان، تحولات مهمی در مدنیت غربی رقم خورد.^۵ گسترش به کارگیری ماشین‌های محاسباتی در سطوح مختلف روابط اجتماعی و تغییر مقیاس ارتباطات و جریان اطلاعات در جامعه، منجر به شکل‌گیری فضای سایبر شد. فضایی که به مرور در حال تبدیل شدن به جهانی موازی با جهان کالبدی و خلق فضای جدیدی برای زیست انسان‌ها است. جهان غرب با دست یافتن به چنین ابزاری، دوباره به این فکر افتاده است که گویا می‌توان به بازار کامل دست یافت و رگلاتوری و تنظیم‌گری بازار را نیز به بازار منتقل نمود. ظهور پلتفرم‌ها - به عنوان ابزارهای تنظیم‌گری - نمونه بارز به عهده‌گیری وظایف دولت‌ها توسط بازار است و روند تغییرات، نشان می‌دهد که جهان غرب با تلاش و سرعت بسیار به دنبال شکل دادن به انقلاب پلتفرمی است. در چنین جهانی از طریق توسعه شدید «دیجیتال‌سازی و اینترنت پایدار پرسرعت برای جابجایی راحت داده‌ها»، افزایش قدرت تحلیل داده‌ها به کمک فناوری‌های شناختی مانند هوش مصنوعی و محاسبات کوانتومی و نفوذ شرکت-مشرتی‌ها و جذب شهروند برای خود از طریق ایجاد تعامل دو سویه جهت‌دار میان انسان‌ها در پلتفرم‌های خود و موارد بسیاری از خدمات تحت شبکه جهانی جریان اطلاعات (مانند عرضه خدمات سلامت و آموزش و حتی شغل‌های شکل گرفته در این بستر و تأمین مالی شهروندان از این طریق) فضای ادراکی-کنش‌گری جدیدی برای تمام جوامع بشری شکل گرفته است و پایداری روند حرکت جهان به این سمت، به معنای پایان عصر دولت-ملت‌ها و شروع عصر شرکت-مشرتی‌ها و تسلط کامل نظام سرمایه‌داری بر تمامی ابعاد حیات بشری می‌باشد.

هوش مصنوعی در چنین بستری متولد شده است. کارآمدی ماشین‌های محاسباتی در دهه چهل و ایجاد قدرت محاسبه‌گری به گونه‌ای که حجم زیادی از محاسبه‌ها را در زمان اندکی انجام دهد، این سؤال را در فضای علمی مطرح ساخت که آیا ماشین می‌تواند مثل انسان هوشمند شود؟ در سال ۱۹۵۰ تورینگ یک آزمایش ذهنی پیشنهاد کرد که بر اساس آن تعریفی عملگرایانه از هوش به دست می‌آمد که قابل استفاده در عالم ساینس بود؛ به این معنی که امکان اندازه‌گیری آن ممکن می‌شد. بر اساس این طراحی اگر انسان آزمایش‌گر نتواند تشخیص دهد که در تعامل با یک ماشین یا یک انسان است، توانسته‌ایم هوش مصنوعی تولید

^۵ به خلاف جامعه مسلمین، تمدن غرب وقتی با رشد تکنولوژی مواجه می‌شده معمولاً با زلزله‌های عمیق اعتقادی و فرهنگی و اندیشه‌ای و مبنایی بینشی مواجه می‌شده مثالش ساعت کوکی و خودکار است. وقتی وارد جامعه غربی شد جامعه علمی آنجا با این سؤال روبرو شد که آیا خدا هم عالم را مثل ساعت کوکی خلق کرده و نیاز به کوک مجدد دارد یا خیر؟ از جمله چیزهایی که به شدت متلاطم کرد جامعه غربی را تولید کامپیوتر بود که مخصوصاً در فلسفه شناخت و ذهن در این جامعه بسیار مؤثر بوده است. این اتفاقی است که باید آنالیز و تحلیل شود که چرا جامعه این قدر متأثر از تکنولوژی می‌شود به خلاف جامعه مسلمین که اینطوری متأثر از تکنولوژی نمی‌شود.

کنیم که مانند انسان رفتار می‌کند. هر چند این تعریف بر روی هوش مصنوعی جامع^۶ تطبیق بیشتری دارد، اما تقریباً شاکله اصلی توصیف هوش مصنوعی کماکان بر پایه همین تعریف استوار است و حتی در هوش مصنوعی محدود^۷ نیز بر پایه همین توصیف، آزمایش میزان هوشمندی ماشین را انجام می‌دهند.^۸

مسائل پیش روی جهان غرب و کارکرد هوش مصنوعی در آن

همچنین جهت‌گیری رشد هوش مصنوعی و کیفیت فریه شدن آن هم توسط جهان غرب راهبری می‌شود و برای رفع نیازهای این بستر جهانی، مسائل همه علوم از جمله هوش مصنوعی هدایت می‌شود تا در خدمت تحقق آرمان‌های آن جهان قرار گیرد. در این متن برخی از مهمترین مسائل جهان غرب که در رشد هوش مصنوعی بسیار مؤثر بوده است را مرور خواهیم کرد:

۱- شکل‌گیری فضای زیست جدید - چه بر اساس برهم‌افزایی فضای سایبر و فضای حقیقی که توسط تکنولوژی‌های واقعیت افزوده^۹ یا واقعیت ترکیبی^{۱۰} شکل می‌گیرد و چه بر اساس شکل‌گیری زیست مجازی که بر اساس تکنولوژی‌های واقعیت مجازی^{۱۱} ایجاد می‌شود- نیازمند دیجیتال‌سازی تمامی اطلاعات و اتفاقات دنیای حقیقی است و به همین دلیل با مسأله کلان داده‌ها^{۱۲} در زیست جدید مواجه خواهیم بود. ماشین‌های محاسبه‌گر زمانی می‌توانند به کار آیند که اطلاعاتی را به عنوان داده دریافت کنند تا با تجزیه و تحلیل آنها بتوانند خروجی تحویل دهند. بنابراین در این تمدن، تکنولوژی به گونه‌ای رشد پیدا کرده که بتواند همه فرایندهای اجتماعی و طبیعی را تبدیل به داده کند و لذا با حجم انبوهی از داده مواجه می‌شویم و اگر نتوانیم اطلاع مورد نیاز را در این حجم انبوه با هزینه‌ای کمتر از تولید مجدد آن (اعم از هزینه زمانی یا غیر زمانی) به دست آوریم، حجم انبوه داده با بی‌اطلاعی برابر می‌شود. از جمله مسائلی که هوش مصنوعی به آن می‌پردازد تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها و ارائه نتایج از آنها با صرف هزینه معقول است؛ اعم از اینکه اطلاع خاصی را در انبوهی از اطلاعات به دست آوریم یا یک نتیجه جدید از انبوه اطلاعات کسب کنیم. مثلاً طبقه‌بندی کلان داده‌ها یا یافتن الگوهای پنهان در کلان داده‌ها یا پیشنهاد تصمیم با توجه به انبوه داده‌ها و ...

۲- یکی از مهمترین مشکلات نظام سرمایه‌داری، انگیزه‌بخشی به بشر از طریق مکانیزم تحریک عمومی و ارضای طبقاتی است. اگر انسان‌ها به هر چه که بخواهند دست یابند، این ساختار ابزار انگیزه‌بخشی برای تحرک و تلاش را از دست خواهد داد و به همین دلیل با خلق آرزوهای متنوع و جدید که در اختیار عده محدودی خواهد بود، همواره انگیزه حرکت را در انسان‌ها پابرجا می‌گذارد. در چنین ساختاری جامعه بشری پس از گذشت بازه زمانی متوجه می‌شود به بخش مهمی از آرزوها و تمایلات خود دست نخواهد

^۶ Artificial General Intelligence (AGI): هوش مصنوعی جامع، ماشینی است که بتواند دنیای اطرافش را مثل انسان درک کند و پتانسیل انجام کارهایی را دارد که انسان هم توانایی انجام آن‌ها را دارد.

^۷ Artificial Narrow Intelligence (ANI): هوش مصنوعی محدود، ماشینی است که روی یک وظیفه مشخص متمرکز است و توانایی یادگیری خودکار در هر زمینه‌ای را ندارد.

^۸ به عنوان نمونه پیشنهاد می‌شود مسابقه جایزه لوبنر را مطالعه کنید.

^۹ Augmented Reality (AR): یک تجربه تعاملی است که دنیای واقعی و محتوای تولید شده توسط رایانه را ترکیب می‌کند؛ به این صورت که اشیای مجازی را به محیط واقعی اضافه می‌کند. به عبارت دیگر کاربر فضای واقعی پیرامون خود را می‌بیند با این تفاوت که چند شیء مجازی نیز به آن اضافه شده است.

^{۱۰} Mixed Reality (MR): نتیجه ترکیب دنیای فیزیکی با دنیای دیجیتال است و از این منظر شبیه واقعیت افزوده است با این تفاوت که نه تنها اشیایی را به دنیای واقعی اضافه می‌کند، بلکه این اشیای افزوده شده به دنیای واقعی متصل هستند و کاربر را قادر می‌سازد تا با اشیاء مجازی تعامل داشته باشد.

^{۱۱} Virtual Reality (VR): یک تجربه شبیه‌سازی شده توسط رایانه است که می‌تواند مشابه یا متفاوت از دنیای حقیقی باشد. این تکنولوژی محیط و فضای کاملاً مجازی و مصنوعی را جلوی چشمان کاربر نمایش می‌دهد و کاربر حس می‌کند واقعا در آن محیط مجازی قرار دارد.

^{۱۲} Big data: به مجموعه‌هایی از داده گفته می‌شود که نرخ رشد آن‌ها بسیار بالاست و در مدت زمانی کوتاه، شامل چنان حجمی از اطلاعات می‌شوند که دریافت، ذخیره‌سازی، جستجو، تحلیل، بازیابی و همچنین تصویرسازی آن‌ها با ابزارهای مدیریت داده موجود غیر قابل انجام خواهد بود.

یافت و به تعبیر دیگر ادراک از بردگی خود پیدا خواهد کرد؛ چرا که در این جامعه، آزادی به معنای "قدرت دستیابی به هر چه مطلوب پنداشته می‌شود" است و هر چه که این قدرت را محدود نماید به معنای اسارت انسان تلقی می‌گردد و همین مسأله اگر باعث طغیان بشر نگردد، حداقل سبب پایین آمدن انگیزه و کارایی نیروی انسانی در راستای تضمین سود سرمایه خواهد شد. شکل‌گیری فضای زیست جدید این امکان را برای نظام سرمایه‌داری شکل داده است که با تشکیل الگوی شرکت-مشتری‌ها علاوه بر تأمین خواست انسان با حداقل تلاش و سریع‌ترین زمان ممکن- که جهان پلتفرمی بهترین نمونه آن است- در مواردی که در دنیای حقیقی امکان تحقق رؤیای کاربر وجود ندارد، فرآیند ارضای ذهنی را فراهم آورده و از این طریق، حس آزادی را در ایشان تقویت نماید؛ در نتیجه پایداری بسیار قوی‌تری برای نظام سرمایه‌داری جدید ایجاد شده است. در چنین جهانی بهینه‌ترین حالت برای نظام سرمایه‌داری چینش نیروی انسانی در یک ساختار هم‌افزا برای تضمین سود سرمایه به گونه‌ای است که هر کسی بیشترین احساس آزادی را نیز داشته باشد و در مرحله بعد از طریق تأثیر بر ناخودآگاهی احساس آزادی به او القا شود. این امور مستلزم شناسایی الگوهای رفتاری شخصی هر انسانی است و مسلماً بدون استفاده از هوش مصنوعی و یادگیرندگی ماشینی، چنین امکانی وجود ندارد. به عنوان مثال ارسال تبلیغات مورد نیاز هر انسان، یا معرفی ارتباطات با مجموعه‌های همگون با ایشان به منظور افزایش کارآمدی جمعی یا تأمین فضایی که حس آزادی به ایشان القا شود، یا امکان تحلیل و پیش‌بینی رفتار آتی انسان در مواضع مختلف و چگونگی تغییر رفتار آنها و اموری این چنینی متناسب با تشخیص الگوی رفتاری او و کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها انجام می‌گیرد.

۳- انسانی که در جهان غرب تعریف شد، انسانی است که دنبال زندگی بهشتی در زمین بوده و همواره سودای زندگی جاودانه داشته است. هم اکنون نیز بحث جاودانگی انسان یکی از مسائل مهم این تمدن است و علوم مختلف را به کار گرفته است تا به زعم خود بر این مسأله غلبه یابد. از آنجا که تحلیل این جهان از انسان تماماً مادی است، علت مرگ را هم کاملاً در امور مادی تعریف می‌کند. از منظر این تمدن مرگ هم نوعی بیماری و خروج از سلامت تعریف شده و عواملی برای آن ذکر می‌کند. یکی از این عوامل میکرو ارگانیسم‌ها معرفی می‌شوند که با ورود به بدن منجر به بروز اختلال در فرآیندها و اکوسیستم بدن می‌شود و ادعا می‌شود چنانچه بتوان یک سیستم ایمنی شکست ناپذیر (مثلاً استفاده از فیلترهای نانو فایبر) ایجاد کرد که از ورود آنها به بدن جلوگیری شود، این عامل را می‌توان کنترل کرد. البته به دلیل اینکه میکرو ارگانیسم‌ها انواع مفید- حتی ضروری برای ادامه حیات- و مضر دارد، نیاز است که با انواع مضر آن برخورد شود و به دلیل فراوانی این موجودات و پراکندگی آن، چاره‌ای جز هوشمندسازی نحوه شناسایی و واکنش مناسب با آنها در سیستم ایمنی شکست‌ناپذیر وجود ندارد.

یکی دیگر از عوامل خروج از سلامت از کارافتادگی اندام بدن -اعم از اینکه ناشی از فرسودگی باشد و یا ناشی از حوادث- است که راهکارهایی مانند تغییر اندام از کار افتاده به کمک ساخت مصنوعی اندام بیولوژیکی^{۱۳} و یا جلوگیری از فرسودگی آنها از طریق مختلف است^{۱۴}. اما راهکاری که در این بحث به آن باید توجه کنیم مسأله زندگی بدون بدن بیولوژیکی می‌باشد. جهان غرب برای رسیدن به چنین ایده‌ای دو بار انسان را تقلیل معنا داده است. در مرتبه اول با انکار عالم روح، تمامی خصوصیات انسانی را -از اختیار انسان تا قوه عاقله و احساساتی مانند اضطراب و خوشحالی و ...- را ناشی از ذهن انسان می‌داند. مفهوم حالت ذهنی در واقع

^{۱۳} اکنون ساخت اندام مصنوعی به کمک تکنولوژی چاپ زیستی سه بعدی (3D bioprinting) یکی از مرزهای دانش تمدن غرب است که علاقه مندان می‌توانند به مطالب آن رجوع نمایند.

^{۱۴} موضوع مطالعه مسأله فرسودگی بدن معمولاً رفتار سلول‌ها و شناسایی دلایل نابودی آنها و آزمون‌های مؤثر در این امر می‌باشد تا از این طریق فرآیندهای مرگ سلول‌ها را شناسایی و جلوگیری نمایند.

توضیح دهنده همه این خصوصیات انسانی است؛ خصوصیتی که به زعم عالم مدرن ناشی از رفتار ذهن می‌باشد که در تأثیر و تأثر با محیط پیرامونی‌اش و تحت قواعدی ایجاد می‌گردد و مفاهیم خارج از امکان آزمایش و ارزیابی را -مانند روح- نفی می‌کند.^{۱۵} در تقلیل دوم منشأ حالات ذهنی را تأثیر و تأثر مغز با محیط پیرامونی خود تعریف می‌کند و باعث شده مطالعات نوروساینس محور توسعه علوم شناختی گردیده و آزمایش‌های تجربی که در نسبت مغز با محیط پیرامونی و تحریکاتی که از جانب آنها می‌شود، معیار تمامی فرضیه‌سازی‌ها و ایده‌پردازی‌ها در علوم شناختی شود. در این نگرش منحصر به فرد بودن شخصیت هر انسانی نسبت به دیگری به دو دلیل شکل می‌گیرد:

الف: خاطرات هر انسان؛ که تمایز بخش هر انسانی از دیگری می‌شود.

ب: ساختار خاص مغز هر انسان به واسطه ویژگی شکل‌پذیری مغز و ایجاد اتصالات نورونی خاص؛ که از تحریکات ویژه یا تکرار یک رویداد شکل می‌گیرد و همگی ناشی از خاطرات انسان است.

این نگرش ادعا می‌کند که چنانچه بتوان یک مغز مصنوعی^{۱۶} (مثلاً مغز سلیکونی^{۱۷}) ایجاد کرد که رفتاری شبیه به رفتار نورون‌های مغزی داشته باشند و امکان بارگذاری اطلاعات مغز انسان به این مغز مصنوعی فراهم گردد، احتمالاً می‌توان بدون بدن بیولوژیک هم به زندگی ادامه داد و دیگر دلیلی برای مرگ انسان -که با توضیحات فوق به معنی از کار افتادن کالبد بیولوژیکی انسان است- وجود نخواهد داشت و اینگونه است که انسان را می‌توان جاودانه کرد. مسأله طراحی الگوریتم‌های شبکه‌های عصبی در علم هوش مصنوعی چنین خاستگاهی دارد و هدف آن این است که به توانمندی تقلید از مغز انسان دست یابد.

۴- یکی دیگر از خطوط پیچیده‌ای که جهان جدید غرب در حال پیگیری آن است، مفهوم فرا انسان^{۱۸} و خلق توانمندی‌های فوق بشری برای انسان است. در نگاه این تمدن انسان حاصل تکامل طبیعی بوده است و اکنون در مرحله‌ای از تکامل طبیعت قرار گرفته‌ایم که همین انسان می‌تواند سرعت تکامل طبیعت را با کمک مهندسی ژنتیک، علوم شناختی و علمی در این سطح افزایش داده و توانمندی‌هایی برای بشر خلق نماید که تا کنون مقدور نبوده است. خلق افزونه‌های تکنولوژیکی برای بدن انسان به منظور افزایش توانمندی‌هایش در زمینه قدرت، سرعت حرکت و گسترش دامنه دید و یا شنوایی و اموری از این دست را می‌توان از این منظر ارزیابی کرد. اما چنانچه بتوان به کمک مهندسی ژنتیک یا تکنولوژی‌هایی، مقیاس هوشمندی انسان را ارتقا داد و یا حتی هوش مصنوعی خلق کرد که از انسان هوشمندتر باشد، به نقطه تکینگی^{۱۹} دست یافته‌ایم و دیگر بشر کنونی نمی‌تواند پیش‌بینی

^{۱۵} همچنین این تقلیل امکان می‌دهد که بتوان خصوصیات انسانی را به صورت ساده‌تر در حیوانات دیگر نیز دنبال کنند و انسان را تنها پیچیده‌تر شدن مادی تکامل جهان نسبت به سایر حیوانات بدانند و شرافتی در خلقت برایش قائل نباشند؛ چرا که برای حیوانات دیگر نیز می‌توان ذهن قائل شد و تفاوت را تنها در سادگی آنها دید.

^{۱۶} Artificial brain: نرم افزاری و سخت افزاری با توانایی شناختی مشابه مغز حیوان یا انسان است.

^{۱۷} برای مطالعه بیشتر به بررسی اصطلاح تراشه‌های نورومورفیک بپردازید که به تقلید از نورون‌های بیولوژیک در حال تکمیل طراحی هستند تا مشکل مصرف انرژی بالای ترانزیستورهای دیجیتال را در مقایسه با مغز انسان برطرف و همچنین امکان گسترش هوش مصنوعی در تکنولوژی‌های روزمره در مقابل تمرکز پردازش در فضای ابری را فراهم نماید.

^{۱۸} Transhumanism: فرا انسان‌گرایی جنبش علمی و فناوری رو به رشدی برای فرگشت و تکامل انسان بدست انسان است و ما را برطرف فراتر از انسان طبیعی می‌برد.

^{۱۹} Singularity: یک نقطه آینده فرضی در زمان است که در آن رشد تکنولوژی غیر قابل کنترل و برگشت ناپذیر می‌شود و منجر به تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در تمدن بشری می‌شود.

کند که آینده حیات بشری به کدام سمت حرکت خواهد کرد و دوران پسا انسان^{۲۰} شروع خواهد شد. تولید ربات‌ها، ایجاد رابطه بین انسان و فناوری و افزایش توانایی‌های انسان از این منظر-مخصوصاً اتصال به شبکه‌های اطلاعاتی- و یا افزونه‌های مغزی به منظور تقویت هوش بشری یکی از ثمرات توجه به چنین مسائلی می‌باشد که در رشته‌های هوش مصنوعی و علوم شناختی به آنها پرداخته می‌شود.

حال سوال این است که آیا دانش هوش مصنوعی که برای پاسخ به اینگونه مسائل در حال فرجه شدن است، نیازهای جامعه ایران را می‌تواند محقق کند؟ و یا باید این دانش را در پاسخ به مسائل دیگری فرجه کرد تا ما را در دستیابی به تمدن اسلامی یاری‌گر باشد؟

مسائل جامعه ایران و رابطه آن با هوش مصنوعی

هدف انقلاب مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) -همانگونه که فحوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد- ساخت جامعه بر پایه نظریه امامت - امت است.^{۲۱} در این جامعه -به خلاف جامعه غربی- عامل محوری انگیزه بخش حرکت مردم، محبت و دلسوزی نسبت به دیگری است و اخلاق اخوت و تعاون در میان مردم -به جای نفع پرستی و تضاد منافع- نهادینه شده است. امام و انسان فرادست جامعه به جای چپاول انسان فرودست و بردگی کشیدن ایشان، با دستگیری از مردم، به دنبال رشد و ارتقاء آنها و نیل به زندگی متعالی می‌باشد؛ و مهم‌ترین بعد زندگی متعالی، نهادینه شدن همان انگیزه یاری‌گری در مردم به عنوان علت حرکت ایشان می‌باشد.

رشد و ارتقای انسان در چنین جامعه‌ای بسیار به آگاهی و کنش‌گری خود انسان وابسته است. شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید:

«بسیاری از مسائل اجتماعی است که اگر سرپرست‌های اجتماع افراد بشر را هدایت و سرپرستی نکنند گمراه می‌شوند، اگر هم بخواهند ولو با حسن نیت (تا چه رسد به این که سوء نیت داشته باشند) به بهانه اینکه مردم قابل و لایق نیستند و خودشان نمی‌فهمند و لیاقت ندارند آزادی را از آنها بگیرند این مردم تا ابد بی‌لیاقت باقی می‌مانند... مَثَلش مَثَل آدمی است که می‌خواهد به بچه‌اش شناگری یاد بدهد. بچه‌ای که می‌خواهد شناگری یاد بگیرد آیا با درس دادن و گفتن به او ممکن است شناگری را یاد بگیرد؟ ... باید ضمن این که قانون شناگری را به او یاد می‌دهید، رهایش کنید برود داخل آب، و قهرا در ابتدا چند دفعه می‌رود زیر آب، مقداری آب هم در حلقش خواهد رفت، ناراحت هم خواهد شد ولی دستور را که می‌گیرد ضمن عمل شناگری را یاد می‌گیرد و آلاً با دستور فقط بدون عمل، آنهم عمل آزاد، ممکن نیست شناگری را یاد بگیرد؛ یعنی حتی اگر او را ببرید در آب ولی آزادش نگذارید و همواره روی دست خودتان بگیرید، او هرگز شناگر نمی‌شود»

^{۲۰} Posthuman : پسانسان موجودی فرضی در آینده است که ظرفیت‌های اساسی آن چنان از انسان‌های کنونی فراتر می‌رود که دیگر بر اساس معیارهای کنونی ما به‌طور واضح انسان نیست.

^{۲۱} اطلاق واژه امت به مردم و وظیفه حاکم به امامت امت در جای جای متن قانون اساسی مبین این ادعا است.

در این جامعه انسان فرادست به دنبال گسترش آزادی بیشتر مردم و آگاهی بخشی به آنها است تا مردم قیام به قسط کنند.^{۲۲} این همان نکته‌ای است که مقام معظم رهبری در کتاب انسان دویست و پنجاه ساله توضیح می‌دهد:

«دشواری کار دعوت راستین امامت در همین نکته نهفته است ... که می‌خواهد قدرت را از هرگونه زورگویی و تجاوزطلبی و تعدی به حق آزادی مردم دور نگاه داشته، اصول و موازین اساسی اسلام را مراعات کند، ناگزیر باید تکیه بر شعور و درک مردم و در زمینه احساس نیاز خواست طبیعی آنان، رشد و پیشرفت خود را ادامه دهد.»^{۲۳}

به تعبیر دیگر ولایت ابایی از تفاهم ندارد و این مستکبر است که از تفاهم ابا دارد^{۲۴} و معنی ندارد که به منظور به بردگی گرفتن انسان فرودست با ایشان به تفاهم برسد. در چنین جامعه‌ای مکانیزمی برای مشارکت حداکثری مردم و ذیل هدایت‌گری امام جامعه در راستای حفاظت از جهت‌گیری اسلامی شکل می‌گیرد و آحاد مردم اراده خود را در شکل دادن به تمدنی که خود در آن زیست می‌کنند سهیم می‌دانند و به همین دلیل تعلق به آن دارند. برای نیل به چنین تصویری از جامعه مطلوب نیاز است که مسائل و نیازمندی‌هایی توسط علوم مختلف و از جمله هوش مصنوعی پاسخ داده شود که اهم آنها به قرار زیر است:

۱- اکنون نظام سرمایه‌داری انسان را در فضای زیستی که برای تضمین سود سرمایه طراحی کرده به اسارت درآورده است. گستره این فضا سراسر گیتی را پوشش می‌دهد و به همین دلیل ساخت جامعه مطلوب بدون توجه به تأثیرات فضای زیست غربی بدون ثمر خواهد بود. این فضا به واسطه تسهیل نفع‌پرستی انسان و دستیابی به هر چه بخواهد-بدون توجه به نفع دیگران- حس آزادی را به او القا می‌کند و از آنجا که با خلق آرزوها، خواست انسان‌ها را به گونه‌ای جهت‌دهی می‌کند که منتهی به رشد سود سرمایه گردد، در واقع انرژی انسان‌ها را مکیده و با کمک القای حس آزادی، انسان را به بردگی گرفته و به تعبیر دیگر باعث از خود بیگانگی انسان می‌گردد.

اما نظام امامت-امت بر نفی هر گونه استثمار و اسارت انسان تأکید دارد و هر چند آزادی فردی انسان به معنای قدرت جریان اراده و خواست انسان را می‌پذیرد و به آن احترام می‌گذارد، اما به این نکته توجه می‌دهد که آزادی اجتماعی و افزایش قدرت تصرف انسان در تعاملات اجتماعی امری فراتر و مهم‌تر است و قدرت جریان تأمین خواست انسان را هر چند با پذیرش قیود و ارتباطات معین با دیگران به شدت بالاتر می‌برد^{۲۵} و اصولاً همین افزایش قدرت تصرف انسان بوده است که او را به سمت زندگی اجتماعی سوق داده است. بنابراین آزادی فردی انسان باید مقید به آزادی اجتماعی او گردد تا باعث توسعه آزادی انسان شود.

نکته دیگر این است که توجه صرف به آزادی اجتماعی انسان نیز او را از بند اسارت نمی‌تواند رهایی بخشد. معنا داری روابط اجتماعی و عامل وحدت بخش به کثراتی که در جامعه وجود دارد، وابسته به عامل تحرک و تکامل جامعه و غایت مطلوبی است که تمامی ارکان جامعه برای نیل به آن، نظم خاصی پیدا می‌کنند. این عامل خود را در تصویر جهان آینده به نمایش می‌گذارد و چنانچه انسان سهمی در شکل دادن به آن نداشته باشد و قدرت تصرف در این سطح از او سلب شود، کسانی که تصویر جهان

^{۲۲} «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» سوره حدید آیه ۲۵

^{۲۳} مقام معظم رهبری (۱۳۹۱)، انسان دویست و پنجاه ساله، ص ۲۵۶، چاپ دوازدهم

^{۲۴} حسینی الهاشمی سیدمنیرالدین،

^{۲۵} عدم پذیرش قیود ناشی از ارتباطات اجتماعی و با کنش‌گری فردی و به تنهایی سبب می‌شود حتی برای تهیه مواد اولیه یک غذای ساده نیز درمانده شود و یا نتواند سرعت مسافرت با وسایل نقلیه را تجربه نماید.

آینده را خواهند ساخت، حاکم بر سرنوشت انسان‌ها بوده و فضای اسارت انسان‌ها را طراحی کرده‌اند. از این سطح از قدرت تصرف انسان به آزادی تاریخی نام خواهیم برد و نظام امامت- امت آزادی اجتماعی انسان را مقید به آزادی تاریخی او قرار می‌دهد تا بتواند قدرت تصرف انسان را به مراتب افزایش داده و او را واجد سهم تأثیر در ساخت جهان آینده و سبک زندگی بشر نماید.^{۲۶}

همانگونه که در بالا اشاره گردید این نظام ناچار است که با آگاهی‌افزایی انسان را از اسارت‌رهایی بخشد و به دلیل پیچیدگی و تفاوت نحوه اسارت انسان‌ها در بستری که نظام سرمایه‌داری شکل داده است، ناچار به استفاده از هوش مصنوعی است؛ اما به جای لزوم شناسایی الگوهای رفتاری هر انسان و تسهیل در تأمین خواست فردی او از این طریق - که به معنای اسارت انسان در درون عادات شخصی خویش است- نیازمند ایجاد الگوهای شناسایی عوامل اسارت انسان در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و تاریخی و تسهیل برون رفت از این فضای محدود کننده است. رهیافت‌های پیشنهادی برای ساخت چنین الگویی به قرار زیر است:

الف: هر انسانی در فرآیند ارتباطات خود از اطلاعات و دانشی استفاده می‌کند؛ اما باید دانست که این اطلاعات و دانش در خدمت تحقق اهداف و غایاتی تولید می‌شوند و در آن راستا کارآمدی بیشتری دارند و یکی از راه‌های رهایی انسان از اسارت، آگاهی به او نسبت به این اهداف و غایات است که اغلب شناختی از آن ندارد. برای شناخت این امر لازم است مشخص شود هر اطلاعاتی در خدمت تحقق چه اطلاعی - به عنوان هدف و غایت- قرار گرفته است و باعث افزایش سهم تأثیر آن در نظام واره اطلاعات شده است.^{۲۷}

ب: نظام امامت-امت به منظور رهایی انسان از بند اسارت تلاش می‌کند هر انسانی متناسب با توان خود سهمی در تصمیم‌سازی‌ها داشته باشد و بر اساس تفاهم جمعی علاوه بر افزون شدن آگاهی خویش، احساس هویت در ساخت تصمیمات آتی را بیابد. برای شکل دادن به چنین جهانی نیاز است هر انسانی دقیق‌ترین اطلاعات را متناسب با موضوع تصمیم‌سازی خود در سریع‌ترین زمان در اختیار داشته باشد تا احتمال کنش‌گری او در تصمیم‌سازی افزایش یافته و به تعبیر دیگر بتواند از حداکثر ظرفیتش در تأثیرگذاری بر تصمیمات استفاده نماید. همچنین نیاز است که آثار و تبعات تصمیم احتمالی بررسی گردد و مشخص شود که به چه میزان می‌تواند اهداف و غایات مطلوب مدنظر را محقق نماید تا با آگاهی نسبت به تبعات آن، تصمیمات را تغییر داده یا به آن عمل نماید.

ج: یکی دیگر از عوامل رهایی انسان از بند اسارت‌ها ایجاد قدرت مقایسه میان مطلوبیت‌ها و غایات مطلوبی است که عامل معنا بخشی به کنش اجتماعی انسان‌ها می‌گردد. مهم‌ترین حربه نظام سرمایه‌داری برای دوام اسارت انسان در فضای زیست غربی القای این نکته به جامعه جهانی است که این فضا یگانه نسخه زندگی مطلوب و تصویر از جهان آینده می‌باشد و راه دیگری قابل تصور و رقابت با این فضای زیست نیست. همین سبب می‌شود بشر حتی اگر نسبت به

^{۲۶} برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

حسینی الهاشمی سیدمنیرالدین (۱۳۷۷)، جلسه هفتم دوره پژوهشی ولایت فقیه، کد جلسه: ۰۰۱۳۶۹۰۰۷

حسینی الهاشمی سیدمنیرالدین (۱۳۷۷)، بررسی جایگاه سیاست در ساختار روابط اجتماعی، کد جلسه: ۰۰۱۳۵۷۰۱۸

حسینی الهاشمی سیدمنیرالدین (۱۳۷۸)، بررسی ناهنجاری‌های سیاسی کشور در سطح کلان، کد جلسه: ۰۰۱۴۲۵۰۰۶

^{۲۷} به عنوان مثال اگر جامعه ایران به دنبال تحقق اسلام در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خویش است، نیاز است که معارف و حیاتی در منزلت محوری نظام واره اطلاعات قرار گرفته و تمامی معارف نظری و تجربی انسان در خدمت تحقق این معارف در جامعه قرار گیرد تا بتوان ادعا کرد که سبک زندگی جامعه اسلامی شده است و به سمت تحقق تمدن اسلامی پیش رفته ایم. برای مطالعه بیشتر پیرامون مفهوم طبقه بندی اطلاعات بر پایه سهم تأثیر آنها در نظام اطلاعات ر.ک به شیخ العراقرین حسن و علیخانی محمدحسین (۱۳۹۸)، نقش سازماندهی اطلاعات در تحقق تمدن اسلامی، قم: مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی (۴): ۵۹-۹۲

این فضا دلبستگی نداشته باشد، انرژی و توان خود را مصروف ساخت جهان دیگر نکند و خود خواسته در این اسارت باقی بماند. بنابراین همین که به انسان بتوان نشان داد که می‌توان به گونه دیگر زیست و جهان دیگری را تصور کرد که حتی اگر کارآمدی بالاتری ندارد، قابل رقابت با فضای زیست غربی است، خود عامل رهایی انسان از بند اسارت‌ها می‌گردد.

۲- استفاده از حرص به دنیا به عنوان سوخت و عامل تحرک و تکامل جامعه در جهان غرب و ممدوح بودن نفع‌پرستی و دستیابی به هر چه مطلوب پنداشته می‌شود، سبب می‌گردد که انسان به خود اجازه دهد هر گونه می‌پسندد و به نفع او است واقع را تصویر کند و از اینجا است که مسأله جعل واقعیت در جامعه غربی جایگاه می‌یابد.^{۲۸} ایجاد آواتار^{۲۹} انسان در فضای زیست مجازی و ارائه تصویری از خود به دیگران متفاوت با آنچه در واقع، محدود به آن است را می‌توان از ثمرات چنین اعتقاداتی دانست. بسط تکنولوژی‌های جعل عمیق^{۳۰} به کمک الگوهای هوش مصنوعی را نیز از این منظر می‌توان تحلیل کرد و حتی اگر از انگیزه توسعه این تکنولوژی برای اغراض انتقام جویانه و یا مجرمانه صرف نظر شود، استفاده از آن در فضای هنری یا به منظور سرگرمی را از ثمرات پذیرش جعل واقعیت در جامعه غربی می‌توان دانست.

از جانب دیگر نظام سرمایه‌داری به عنوان هژمونی حاکم بر جهان کنونی از جعل واقعیت به منظور بسط اسارت انسان استفاده می‌کند و در مواردی که نمی‌تواند انسان را به اختیار خویش در این فضای زیست جانمایی کند، با کمک جعل واقعیت و تغییر در فضای شناختی و ادراکی انسان به کمک تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، تلاش می‌کند آرزوها و فرآیندهایی را برای ایشان ایجاد کند که برای بقای این هژمونی نیاز است. همین نکته عامل درگیری و تضاد عمیق نظام امامت امت با چنین جهانی است که به دنبال رهایی انسان از اسارت‌ها و آزادی بخشی به او به معنای مشارکت در تصویرسازی نسبت به آینده جهان و خویش است. این دو تعارض به طور قطع منتهی به منازعه برای شکل دادن به فضای شناختی و ادراکی جوامع بشری خواهد شد و جنگی شناختی پدید خواهد آورد که در یکی جعل واقعیت و در دیگری مشارکت دادن در ساخت فضای شناختی به مصاف هم می‌رود و بنابراین اگر در جهان غرب هدایت فضای شناختی انسان به کمک جعل اطلاعات با استفاده از شناخت الگوهای شناختی و مرجع یابی در ذهن انسان به کمک هوش مصنوعی مورد نیاز است، در نظام امامت امت، علاوه بر ایجاد الگوهای رهایی انسان از اسارت در فضای شناختی خود، نیازمند الگوهایی برای کشف اطلاعات جعلی است تا بتواند پدافند مناسب در مقابل ابزارهای اغوا و به اسارت کشیدن بشر را در اختیار مردم قرار دهد. چرا که راهبرد اصلی این جامعه آگاهی‌افزایی برای افزایش مشارکت انسان در سرنوشت خویش است.

^{۲۸} هر چند آزادی انسان در این جامعه مقید به محدود نساختن آزادی دیگران تعریف می‌شود، اما باید توجه داشت که این قید، نسبت به عامل تحریک انسان (نفع‌پرستی) محدودیت‌زا بوده و برای عمل به آن تنها روی ابزارها و عوامل بیرون از اراده انسانی -مانند وضع قوانین- می‌توان حساب کرد.

^{۲۹} Avatar: آواتار یک نمایش گرافیکی یا نمادهای دو بعدی یا سه بعدی از کاربر در فضای سایبر است که ذهن و بدن انسان را به درون آن فضا برده و نماینده او در جهان مجازی می‌باشد. آواتارها در این جهان می‌توانند ارتباطات جدیدی متفاوت از ارتباطات فضای حقیقی برقرار کرده و زیست جدیدی را به موازی زیست انسان در فضای حقیقی شکل دهند. برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

تولایی روح الله و احمدی محمد میلاد (۱۳۹۴)، بررسی ابعاد آواتاریسم و تأثیر آن بر تحولات فرهنگ ایرانی- اسلامی، تهران: چشم انداز مدیریت دولتی (۲۱)، ۴۱-۷۷

خزائی سعید و نصرتی علیرضا و تکلوی فاطمه (۱۳۹۴)، واکاوی پدیده آواتاریسم با روش تحلیل لایه ای علت ها، تهران: چشم انداز مدیریت دولتی (۲۱)، ۲۶-۴۱

^{۳۰} Deepfake: یک تکنیک برای ترکیب تصاویر و فیلم های منتخب و منبع مبتنی بر هوش مصنوعی است که فرد یا افرادی را درحال انجام یک کار در موقعیتی نشان می‌دهد که هرگز در واقعیت اتفاق نیفتاده است.

۳- تحریک بر اساس نفع‌پرستی و ممدوح بودن دستیابی انسان به هر چه که لذت می‌پندارد، باعث می‌شود در جهان کنونی غرب، فردگرایی^{۳۱} یکی از ارکان معنا بخشی به روندها و سبک زندگی بشریت باشد و همه چیز حول خواست فرد انسان طراحی گردد و از جانب دیگر تعاریف فوق سبب می‌شود که مفهوم مصرف‌گرایی در این جهان به دلیل القای حس آزادی به انسان -به معنای توان دستیابی به هر چه می‌پسندد- اهمیت زیادی بیابد. توسعه و تسهیل دستیابی به خواست انسان به کمک هوشمندسازی محیط (اعم از افزایش کیفیت تأمین نیازها و حتی تولید) را می‌توان از ثمرات چنین توصیفی به شمار آورد. اما در نظام امامت امت که عامل محوری تحریک و تشکیل جامعه محبت، ایثار و دلسوزی نسبت به دیگران است، باعث می‌شود توجه به خود، به تبع و در خدمت توجه به دیگران مدنظر قرار گیرد و تعاون، همیاری و اخوت میان انسان‌ها معنا بخش روندها و سبک زندگی باشد. در چنین جامعه‌ای خانواده مظهر مطلوبیت و استعاره روابط مطلوب است که نماد ارتباطات ایثارگرانه و برادرانه میان همدیگر و دلسوزانه و یاری‌گرانه انسان فرادست برای رشد و ارتقای انسان فرودست می‌باشد. بنابراین واحد پردازش انسان‌ها در نظام امامت امت، خانواده می‌باشد و خانواده سلول بنیادی جامعه مطلوب تعریف می‌شود و منفعت‌خواهی انسان از این طریق (احساس گسترش در افراد منتسب به خود) مقید به نفع دیگران می‌گردد. بنابراین در چنین جامعه‌ای نیاز است که:

الف: توجه از فرد و بررسی الگوهای فردی در توسعه هوش مصنوعی به سمت توجه به روابط اجتماعی حول تعاون و مخصوصاً جمع خانواده و تقویت و گسترش آن به عنوان سلول جامعه معطوف گردد.

ب: زمانی راهبرد نظام امامت امت برای رهایی انسان از اسارت فضای زیست جامعه غربی و دستگیری از او عملیاتی است که زنجیرهایی که باعث به قید درآمدن انسان شده است را از هم بگسلد و برای زیست او بر اساس سبک زندگی جدید، فضایی تسهیل‌گرانه را شکل دهد تا ضریب موفقیت منقطع شدن از فضای قبلی که به آن وابسته شده است را افزایش دهد. بنابراین توسعه الگوهای هوش مصنوعی به جای ایجاد وابستگی بیشتر به محیط -که به واسطه تسهیل و ارتقای کیفیت تأمین خواست فرد شکل می‌گیرد- و ایجاد اسارت بیشتر در فضای زیست غربی، مبتنی بر قدرت ایجاد استقلال و خودکفایی بیشتر واحد اجتماعی مطلوب -که خانواده می‌باشد- در عین اثر گذاری منسجم و شبکه ای در مقابل نظام استعماری غرب شکل خواهد گرفت.^{۳۲}

ب: متغیرها و مدل های بهینه برای هوش مصنوعی

^{۳۱} Individualism: نظریه ای که کامروایی فردی را غایت عمل اجتماعی و زندگی می‌شمارد.

^{۳۲} برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک به کمالی سیدامیرحسین و مهدی زاده حسین، نظام کسب و کارهای کوچک مقیاس فناورانه، راهبرد مقابله اقتصادی نظام امامت امت با نظام بازار در فضای اقتصادی

سوالاتی که در این قسمت باید به آنها پرداخته شود:

- آیا شناخت جدید چیزی بیش از ترکیب اطلاعات قبلی است یا خیر؟
- حافظه و جایگاه آن در هویت انسان (نظام اطلاعات و جایگاه آن در شناخت جدید)
- آیا اختیار وجود دارد یا عالم جبری عمل می کند (علوم شناختی)
- گستره نفوذ اختیار در عرصه تصمیم گیری و جبری بودن فضای شناخت؛ (اختیار به معنی انتخاب و تصمیم، تأثر انسان از محیط پیرامونی تابع چه اموری است؟ مثلاً تصمیم در شرایط از قبل تعیین نشده؛)
- گستره نفوذ اختیار تا عرصه انتخاب مواد و جبری بودن فرآیند شناخت (هوش مصنوعی توضیح پذیر)
- گستره نفوذ اختیار تا عرصه فرآیند شناخت و حضور انگیزه در حاق شناخت (در فرآیند استدلال، در تصدیق، در تصور جدید)